

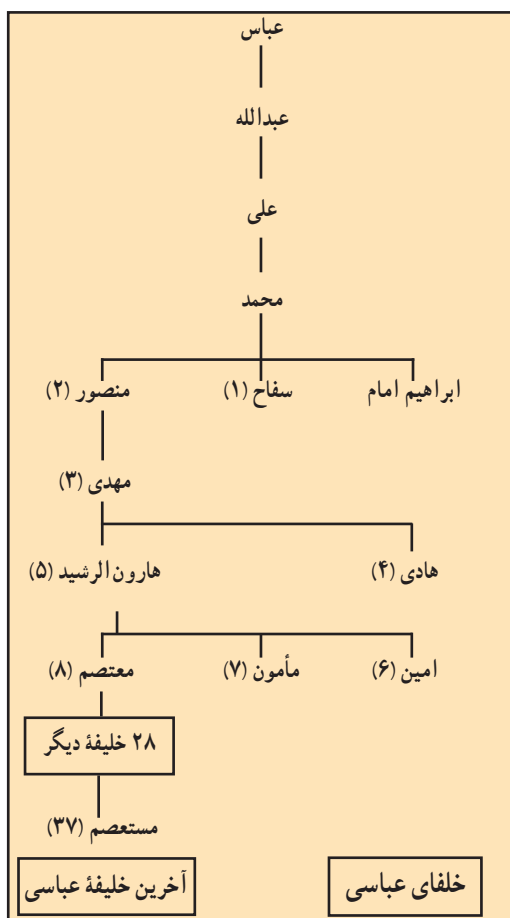
خلافت عباسیان (۱۳۲ - ۶۵۶ق)

مقدمه

در درس گذشته با تحولات عصر امویان آشنا شدید. در این درس تحولات عصر خلافت عباسیان را می‌خوانید و با مباحثی مانند چگونگی استقرار و تثبیت خلافت عباسی و نقش ایرانیان در این مسئله، عوامل رونق و شکوفایی تمدن اسلامی، نقش امامان شیعه در توسعه و تکوین فرهنگ و تمدن اسلامی و سرانجام خلافت عباسیان آشنا خواهید شد.

شکل‌گیری خلافت عباسیان

نخستین خلیفه عباسی ابوالعباس سفاح در سال ۱۳۲ق در مسجد کوفه رسماً بر مسند خلافت نشست. او در اولین خطبه خود با بیان انحراف امویان از تعالیم اسلام و یادآوری نسبت خویشاوندی عباسیان با پیامبر صلی الله علیه و آله و کوشید تا حقانیت خلافت جدید را توجیه نماید. سفاح از مردم خواست که خدا را به جهت استقرار دولت عباسی در سرزمین‌های اسلامی شکرگزار باشند. دوران حکومت چهارساله او عمدتاً به تلاش برای استقرار خلافت عباسیان و سرکوب بقایای امویان و وابستگان آنان گذشت؛ اما برادرش منصور، دومین خلیفه عباسی، طی بیست سال حکومت خود با شکست رقیبان و مخالفان، پایه‌های دولت عباسیان را مستحکم ساخت و ۳۵ خلیفه بعدی همگی از نسل او هستند.



در شرق ایران بروز کرد تا مدت‌ها خلافت عباسی را به خود مشغول ساخت.

۳- جنبش‌های علویان: چون پس از سقوط امویان، به جای یکی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، فردی از خاندان عباسی بر مسند خلافت جلوس کرد، علویان که از نتیجه همکاری با عباسیان پشیمان شده بودند، در صدد برآمدند اعتراض و مخالفت خود را با خلافت جدید به شکل‌های مختلف نشان دهند. به رغم آنکه عباسیان پیروزی خود را مدیون حمایت شیعیان بودند، اما منصور از ترس به خطر افتادن مقام و موقعیت خود و خاندانش، سرکوب قاطع و خونین این جنبش‌ها را در دستور کار خود قرار داد. سختگیری شدید نسبت به ائمه علیهم السلام و چهره‌های برجسته از خاندان امام علی علیه السلام و عموم شیعیان در بیشتر دوران حکومت عباسی ادامه یافت.

اصلی‌ترین تهدیدهایی که در دوره زمامداری منصور متوجه خلافت عباسی بود و با خشن‌ترین شیوه سرکوب و مهار شد، عبارت بود از:

۱- ادعای خلافت تعدادی از اعضای خاندان عباسی: تمام این مدعیان از طریق تطمیع، تهدید و جنگ، تسلیم یا از صحنه خارج شدند.

۲- قدرت و نفوذ رو به ازدیاد ابومسلم خراسانی: وی یقیناً سهم زیادی در پیروزی عباسیان داشت. غرور و جاه‌طلبی سیاسی و نظامی ابومسلم و گسترش محبوبیت و نفوذ اجتماعی او در میان ایرانیان، دو خلیفه اول عباسی، به ویژه منصور را سخت به وحشت انداخت. منصور در همان ابتدای خلافتش با خدعه سردار خراسانی را از هوادارانش جدا کرد و ناجوانمردانه به قتل رساند. قتل ابومسلم موجب شکل‌گیری قیام‌هایی با ادعای خونخواهی او گردید. این جنبش‌ها که بیشتر

بیشتر بدانید

عباسیان برای برخورداری از مشروعیتی که بتواند مردم را به همراهی با آنان متقاعد سازد، بیش از هر چیز نیازمند حمایت شخصیت‌های معتبر خاندان علوی به خصوص امام جعفر صادق علیه السلام بودند که در آن زمان امامت شیعیان را به عهده داشت. به همین دلیل به مذاکره و مکاتبه با ایشان و دیگر چهره‌های خوشنام از جمله برخی سادات حسنی مبادرت نمودند. امام صادق علیه السلام با فراست تمام دریافت که پیشنهاد همراهی عباسیان، تنها فریبی برای بهره‌برداری از موقعیت اجتماعی علویان است؛ لذا نه تنها حاضر به هیچ نوع همکاری با آنان نشد که سایر سادات را هم از این امر بر حذر داشت؛ اما برخی از سادات از جمله عبدالله بن حسن مثنی و فرزندان این هشدار امام را جدی نگرفتند. اینان بعد از تسلط عباسیان بر امور، تلاش کردند که بار دیگر به سازماندهی نیروهای خود بپردازند، اما آن چنان که خواهید خواند با خشونت تمام سرکوب شدند.

یک توضیح

بغداد، دهی از دهات تیسفون (مداین) و به معنای داده‌بغ (خداداد) بود. منصور در طرح نقشه شهر بغداد از نظر خالد بن برمک استفاده کرد و هنگامی که از او خواست برای این کار طاق کسری را ویران کند، خالد این کار را صلاح ندانست.

اداری نیرومندی تأسیس کرد که عمدتاً تقلیدی از سازمان اداری دولت ساسانی بود. در دوران خلافت منصور، دماوند و طبرستان فتح شد.

منصور در سال ۱۴۵ق پایتخت عباسی را از هاشمیه که به کوفه، مرکز هواداران تشیع نزدیک بود، به بغداد انتقال داد. او به یاری خاندان ایرانی برمکی دستگاه



قلمرو مسلمانان در دورهٔ بنی‌عباس

۳- درایت و کاردانی وزیران ایرانی، به ویژه برمکیان: خاندان برمکی از اوایل تأسیس خلافت عباسیان پا به عرصهٔ فعالیت‌های سیاسی و اداری گذاشتند و با درایت خود و استفاده از تجربیات دیوانی و فرهنگی ایران نقش مهمی در پیشرفت امور داشتند. آنان سرانجام به سرنوشتی مشابه سرنوشت ابومسلم دچار شدند و به دستور هارون به زندان افتادند و یا به قتل رسیدند.

در عهد خلافت هارون، روابط و مناسبات خارجی توسعه یافت و هیئت‌های نمایندگی از طرف چین و اروپا به بغداد آمدند. در این دوره به تدریج نخستین حکومت‌های مستقل در شمال آفریقا شکل گرفت و سرزمین‌هایی از پیکرهٔ خلافت اسلامی جدا شد.

از هارون تا معتصم: دوران شکوفایی خلافت عباسی

مورخان اوج عظمت و شکوفایی خلافت عباسی را عصر هارون می‌دانند؛ گرچه خلیفه سهم چندانی در آن عظمت و شکوفایی نداشت.

عوامل مؤثر در رونق و شکوفایی اقتصاد و فرهنگ در این دوران را می‌توان در عوامل زیر جست‌وجو کرد:

- ۱- ثبات سیاسی و امنیت اجتماعی: مقدمات این امر در دوران خلفای قبل فراهم شده بود و انتقال مستمر ثروت به مرکز خلافت عباسی آن را تقویت می‌کرد.
- ۲- برخورد اندیشه، فرهنگ و تمدن ملل و اقوام گوناگون: این جریان در فضای عمومی فرهنگ اسلامی مجال ظهور و بروز یافت و موجب رشد و ارتقای سطح فرهنگ عمومی جامعه شد.

خلافت مأمون (۱۹۸-۲۱۸ ق) دوره جدیدی از نفوذ و نقش آفرینی ایرانیان

پس از مرگ هارون و بروز اختلاف میان دو پسر او - امین از مادری عرب و مأمون از مادری ایرانی - شرایط سیاسی و اجتماعی جدیدی شکل گرفت. امین که در بغداد مستقر شده بود، بر نیروی سیاسی - نظامی اعراب تکیه داشت و از سوی اکثر اعضای خاندان عباسی حمایت می‌شد؛ در مقابل، مأمون که مرو^۱ را پایگاه حکومت خود قرار داده بود، از پشتیبانی قاطع ایرانیان سود می‌برد. رقابت دو برادر و به تعبیری رقابت اعراب و ایرانیان جز به جنگ و خونریزی فیصله نیافت؛ لشکریان هوادار مأمون به فرماندهی سرداری از خطه خراسان به نام طاهر بن حسین بغداد را تسخیر کردند و امین را به قتل رساندند.

مأمون و جنبش‌های شیعی: خلفای عباسی پیش از مأمون برای مهار جنبش‌های شیعی، به ویژه قیام‌هایی که

توسط سادات رهبری می‌شد از شیوه سرکوب نظامی استفاده می‌کردند اما مأمون روش دیگری در برخورد با امامان شیعه در پیش گرفت. او با تزویر، امام رضا علیه السلام را از مدینه به مرو دعوت و ولایتعهدی خود را به او پیشنهاد، بلکه تحمیل کرد. خلیفه با این اقدام امیدوار بود به هدف‌های زیر دست یابد:

- ۱- کسب امنیت بیشتر برای خلافت عباسی از طریق محدود کردن ارتباط امام رضا علیه السلام با مردم و به خصوص شیعیان

- ۲- کسب مقبولیت برای خلافت عباسی به ویژه نزد علویان و سادات، از طریق مشارکت دادن امام در امور حکومتی و ممانعت از شکل‌گیری جنبش‌های آنان
- ۳- جلب پشتیبانی بیشتر ایرانیان؛ زیرا مردم ایران گرایش و ارادت خاصی به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام داشتند.



حرم حضرت امام رضا علیه السلام

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما، چرا معتصم اتکا به ایرانیان یا عرب‌ها

را به صلاح حکومت خود نمی‌دید؟

روش ائمه علیهم‌السلام در معارضة با قدرت‌های حاکم

پس از فاجعه کربلا، رهبران علوی برای مقابله با قدرت‌های حاکم (اموی و عباسی) دو شیوه متفاوت در پیش گرفتند:

شیوه اول: گروهی از آنان مبارزات سیاسی قهرآمیز و جنبش‌های مسلحانه را برگزیدند. قیام زید از فرزندان امام سجاد علیه‌السلام در دوره اموی که به گونه‌ای دلخراش سرکوب گردید، از جمله این تلاش‌ها بود. همراهی سادات حسنی با عباسیان برای مبارزه با خلافت اموی نیز با همین هدف انجام گرفت. مبارزه قهرآمیز و مسلحانه علویان در دوره عباسی ادامه یافت، اما هرگز نتیجه مطلوبی کسب نکرد.

شیوه دوم: گروه دیگری از علویان به رهبری ائمه علیهم‌السلام شیوه مبارزه فکری و فرهنگی را برگزیدند. دلایل آنان برای اتخاذ این شیوه عبارت بود از:

۱- بی نتیجه بودن جنبش‌های سیاسی نظامی در آن دوره؛ زیرا این جنبش‌ها به شکل خشونت‌آمیزی سرکوب می‌شدند و به سبب وحشت حاکم بر جامعه، امیدی به جلب پشتیبانی مؤثر مردم از این قیام‌ها وجود نداشت.

۲- ضرورت و نیاز مبرم جامعه اسلامی به فعالیت‌های علمی و فرهنگی، تشخیص چنین ضرورت و نیاز اساسی ناشی از دو مسئله بود:

الف) توسعه فتوحات از یکسو موجب افزایش سریع تعداد نومسلمانانی شده بود که کمترین آشنایی با محتوای واقعی اسلام نداشتند و از سوی دیگر زمینه آمیزش عقاید

امام رضا علیه‌السلام با فشار و تهدید ناچار به پذیرش ولایتعهدی خلیفه عباسی گردید. اما قبول این پیشنهاد را مشروط به آن کرد که در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و عزل و نصب‌ها دخالتی نداشته باشد. از یکسو هوشیاری و تدبیر امام مانع دستیابی مأمون به اهدافش شد و از سوی دیگر حضور امام رضا علیه‌السلام در ایران موجب آشنایی بیشتر ایرانیان با اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گردید. به علاوه اقدام مأمون در نزدیک شدن به ایرانیان و انتصاب امام رضا علیه‌السلام به ولایتعهدی، اعتراض و خشم شدید خاندان عباسی را در بغداد برانگیخت. مأمون برای خروج از این تنگنا دست به اقدامات جدیدی زد:

— بار دیگر مقر خلافت را از مرو به بغداد انتقال داد.

— در حین سفر به بغداد، مخفیانه دستور قتل فضل بن سهل، وزیر ایرانی خود را صادر کرد.

— پس از قتل سهل، در سناباد توس (که بعداً به مشهدالرضا معروف گشت) امام رضا علیه‌السلام را مسموم و شهید کرد (۲۰۳ق).

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما، چرا امام رضا علیه‌السلام با شرایط فوق حاضر

به پذیرفتن امر ولایتعهدی شد؟

خلافت معتصم (۲۱۸-۲۲۷ق)

خلافت معتصم آغاز دوره‌ای است که ترکان بر دستگاه خلافت عباسی غلبه یافتند. معتصم که مادرش ترک بود ترجیح داد به جای تکیه بر عرب‌ها یا ایرانیان، نیروی سومی را جایگزین آنان کند.

اسلامی را با سایر اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها از جمله افکار صوفیانه هندی و تفکرات فلسفی یونانی فراهم آورده بود.

ب) بی‌کفایتی حکومت‌ها در ساماندهی اوضاع فکری و فرهنگی جامعه، بلکه نقش مؤثر آنها در نابسامانی‌های موجود، زمینه‌گسترش جعل حدیث، توسعه خرافات، اظهار نظرها و تفاسیر غلط در مباحث دینی را فراهم آورده و موجب مخدوش گردیدن چهره اصیل دین و سردرگمی مسلمانان شده بود.

در چنین شرایطی ائمه علیهم‌السلام تلاش برای گسترش فرهنگ ناب اسلامی را بر مبارزه مسلحانه ترجیح دادند. این حرکت در عصر اموی و دوره امام سجاد علیه‌السلام با ملامت و به شکل غیر مستقیم در قالب دعا آغاز شد، پس از آن با تلاش‌های علمی امام باقر علیه‌السلام ادامه یافت و در عصر عباسی و دوره امامت امام صادق علیه‌السلام به اوج خود رسید. آموزش هزاران نفر از دانش‌پژوهان مشتاق به اندیشه متعالی اسلام توسط ائمه تأثیری عمیق بر نظام فکری جامعه گذارد و تحولی بنیادین را در تاریخ اسلام موجب گردید. بر اثر کوشش‌های علمی امام صادق علیه‌السلام نه تنها فقه شیعه به نهایت انسجام و جامعیت رسید و به نام ایشان (فقه جعفری) نامیده شد؛ بلکه سایر مذاهب بزرگ فقهی جهان اسلام نیز از حرکت علمی امامان شیعه تأثیر پذیرفتند؛ زیرا مؤسسين این مذاهب بی‌واسطه یا با واسطه شاگرد امام صادق علیه‌السلام معرفی شده‌اند.

مکتب فقهی که امام جعفر صادق علیه‌السلام بنیان نهاد، بعدها توسط امامان بعدی استحکام و توسعه یافت. پس از امام جعفر صادق علیه‌السلام، رهبری و هدایت شیعیان را امام موسی بن جعفر علیه‌السلام بر عهده گرفت. امام به سبب کثرت زهد به «عبد صالح» مشهور بود و به واسطه حلم و فروخوردن

خشم و صبر بر سختی و ناملایمات «کاظم» نامیده می‌شد؛ ایشان ضمن آموزش فرهنگ و علوم دینی و تربیت شیعیان، اسوه و نمونه عالی دینداری خالصانه و اخلاق والای انسانی بود. در نظر بسیاری از مردم، منزلت والای دینی و انسانی امام چنان بود که او را شایسته رهبری و خلافت مسلمانان می‌دانستند و همین امر موجب تشویش و نگرانی دستگاه خلافت عباسی شد تا جایی که خلفای معاصر وی (هادی و هارون) سال‌ها، امام را زندانی کردند. سرانجام، امام در سیاه چال زندان بغداد به شهادت رسید.

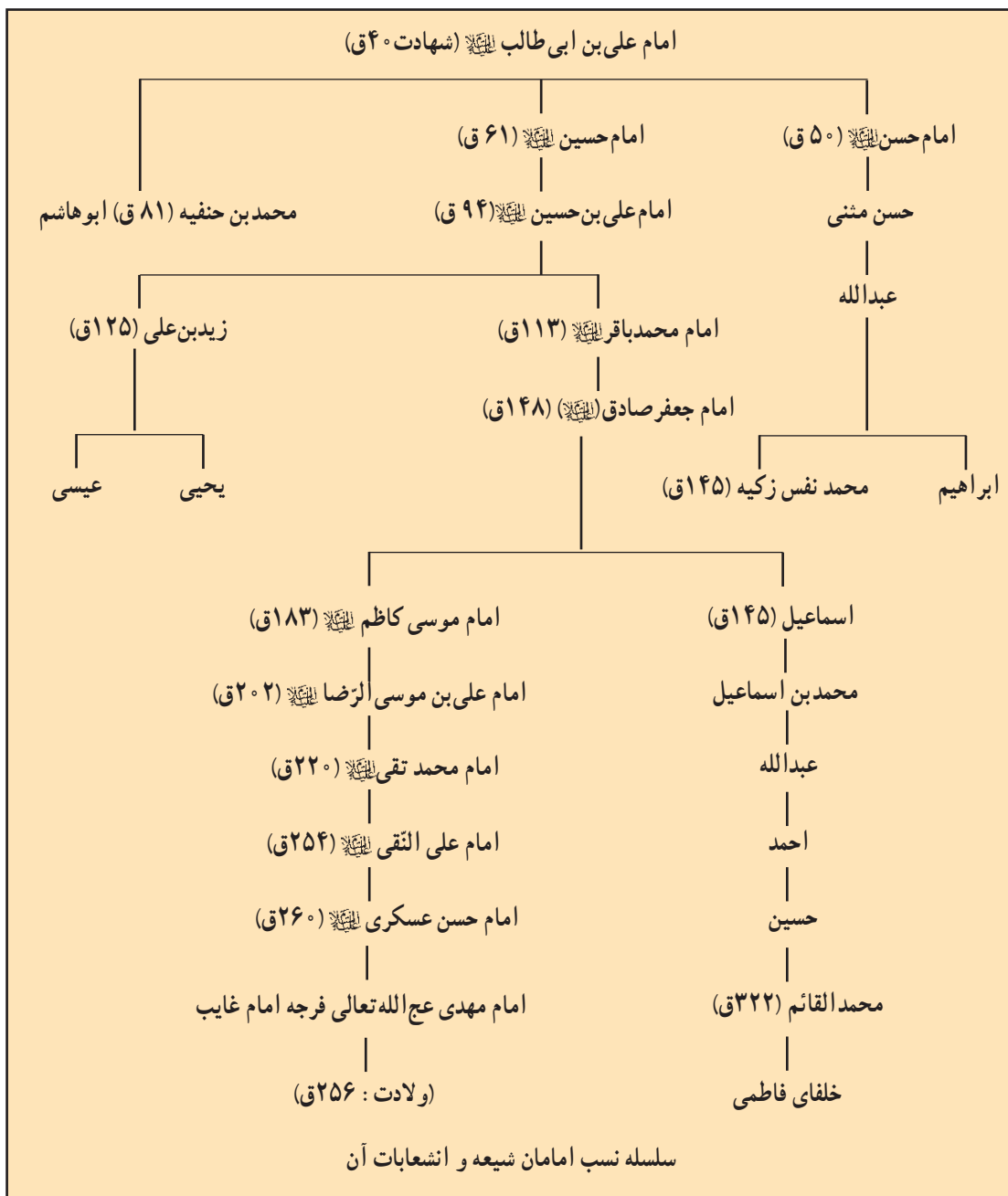
مهم‌ترین حادثه روزگار امام هشتم، امام رضا علیه‌السلام ماجرای انتصاب ایشان به ولایتعهدی مأمون بود که پیش از این درباره آن خواندید.

پس از شهادت امام رضا علیه‌السلام، امام جواد علیه‌السلام به امامت رسید. مأمون از طریق اجبار امام علیه‌السلام به اقامت در بغداد و نظارت و مراقبت شدید بر فعالیت‌های آن حضرت، مانع ارتباط امام علیه‌السلام با مردم و پیروانش گردید. به رغم این محدودیت‌ها امام علیه‌السلام گاه در بعضی مجالس و مناظرات شرکت می‌نمود و دامنه وسیع دانش دینی خود را به اندیشمندان عصر خود عرضه می‌کرد.

سال‌های امامت امام هادی علیه‌السلام که معاصر با دوران استیلای ترکان و دوران خلافت متوکل بود، از سخت‌ترین روزهای زندگی شیعیان بود. به دستور متوکل بارگاه امام حسین علیه‌السلام و دیگر شهدای کربلا ویران گردید و شیعیان مدتی از زیارت مرقد ایشان محروم شدند. او همچنین امام هادی علیه‌السلام را به اقامت در سامرا و ادار کرد. سرانجام امام هادی علیه‌السلام نیز به دستور معتز، خلیفه بعدی به شهادت رسید.

امام حسن عسکری^۱ نیز تحت مراقبت ویژه در

۱- دوران امامت آن حضرت از ۲۵۴ تا ۲۶۰ ق بود.



فضای اختناق آمیز شهر سامرا قرار داشت. نگرانی دستگاه

خلافت در این زمان به دو جهت بود :

۱- فعالیت های علمی و آموزش های دینی امام و ارتباط وی با مردم

۲- تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، منجی و موعود نجات بخش که قبلاً پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام، ظهور ایشان را بشارت داده بودند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا خلفای عباسی به ویژه متوکل تلاش می کردند از توجه مردم به بارگاه امام حسین علیه السلام بکاهند و مانع زیارت بارگاه آن حضرت شوند؟

مورخان شیعه، تاریخ زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را به دو دوره تقسیم کرده اند :

۱- دوران غیبت صغری که از آغاز امامت آن حضرت در سال ۲۶۰ ق آغاز شد و تا سال ۳۲۹ ق ادامه داشت.

در این دوران، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه از طریق چهار نایب خاص خود با شیعیان در ارتباط بود.

۲- دوران غیبت کبری که از سال ۳۲۹ ق شروع شد و هنوز ادامه دارد.

واپسین ایام خلافت عباسی

پس از معتصم، ۲۸ خلیفه دیگر از سلسله بنی عباس به

خلافت رسیدند که غالباً ضعیف النفس و بازیچه دست غلامان ترک بودند. سلطه غلامان ترک در دربار خلافت، تجزیه و تفکیک قدرت سیاسی و دینی، پدید آمدن حکومت‌های رقیب مانند خوارزمشاهیان و اسماعیلیان در ایران و وقوع جنگ‌های صلیبی آخرین مشکلات و دشواری‌هایی بود که خلافت عباسی را دچار انحطاط کرد.

سرانجام، هلاکوخان مغول برای گشودن دژهای اسماعیلیه و فتح بغداد به مغرب فرستاده شد. با سقوط بغداد و قتل آخرین خلیفه عباسی خلافت پانصد ساله عباسیان به پایان رسید (۶۵۶ ق).

پرسش‌های نمونه

- ۱- اصلی‌ترین تهدیدهای پیش‌روی عباسیان در دوران خلافت منصور از ناحیه چه کسانی بود؟
- ۲- تأثیر ایرانیان را بر تحولات تاریخی عصر هارون و مأمون عباسی توضیح دهید.
- ۳- هدف مأمون از نزدیک شدن به امام رضا علیه السلام چه بود؟
- ۴- امامان شیعه برای مقابله با تهدیدهایی که جامعه اسلامی پس از واقعه کربلا با آن روبه‌رو بود چه اقدامی انجام دادند؟
- ۵- دلیل حساسیت ویژه خلفای عباسی نسبت به امام عسکری علیه السلام چه بود؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- درباره مصادیق اثرپذیری خلافت عباسیان از حکومت ساسانیان مطلبی تهیه کنید.
- ۲- درباره شاگردان امام جعفر صادق علیه السلام و مقام علمی آنان گزارشی بنویسید.
- ۳- درباره آثار حضور امام رضا علیه السلام در ایران و ارتباط نزدیک آن حضرت با مردم ایران مطلبی تهیه کنید.